

ضمانت اجرای کیفری جرایم علیه حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه

محمد رضا ساکی^۱

چکیده

از آغازین روزهای شروع جنگ جهانی اول که با نابودی میلیون‌ها انسان توأم بود و متعاقب آن جنگ جهانی دوم که از سیاه‌ترین دوران زندگی بشر محسوب می‌شوند مردم آزاده جهان خصوصاً اندیشمندان و متفکران جوامع انسانی برای زدودن دردها و رنج‌های ایجاد شده و مقابله با اضطراب و استرس جنگ‌های خانمان برانداز گرد هم آمده در مجامع جهانی و بین‌المللی به همفکری نشسته و برای جلوگیری از تکرار این مصائب با تدوین مقررات و میثاق‌های بین‌المللی در زمینه حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه حداقل‌های ممکن برای تضمین امنیت، آزادی و کرامت بشری را تعیین نمودند تا چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ به این حداقل‌ها توجه شده و توسط دولت‌ها و حکمرانان پاس داشته شوند. در این میان آنچه که از اهمیت بسزایی برخوردار است ضمانت اجرای این قواعد و معاهدات بین‌المللی است زیرا مقررات هر چقدر که خوب باشند در صورت عدم اجرا نمی‌توانند تضمین‌کننده اهداف مورد نظر واضعان آن باشند. موضوع ضمانت اجرا در حقوق بین‌الملل از جمله مباحث قدیمی، مناقشه برانگیز و پیچیده و کشداری است که همواره توسط علما و دانشمندان فن مورد توجه بوده است. معمولاً ضمانت اجرای مقررات و قواعد حقوقی در بطن آن نهفته است و بسته به مورد که جنبه داخلی یا بین‌المللی داشته باشد و از چه دیدگاه و منظری به آن نگریسته شود دارای قواعد خاص خود است. در مورد حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه موضوع ضمانت اجرا از اهمیت دوچندانی برخوردار است زیرا تضمین امنیت، آزادی و کرامت انسانی مدنظر است و خواستگاه جهانی دارد.

۱- عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

آنچه مسلم است اینکه نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه چنانچه عنوان مجرمانه پیدا کند (به نحوی که در کنوانسیون‌های بین‌المللی متعددی بیان شده است) ضمانت اجرای کیفری لازم خواهد داشت. در این مقاله سعی ما بر این است که به ضمانت اجرای کیفری جرایم علیه بشریت و حقوق بشر دوستانه با توجه به سیر تاریخی و کنوانسیون‌های بین‌المللی بپردازیم.

واژگان کلیدی

حقوق بشر، جرایم علیه بشریت، حقوق بشر دوستانه، ضمانت اجرای کیفری، دادگاه‌های بین‌المللی. I.C.C.

فصل اول: مقدمه

گفتار اول - تعریف حقوق بشر^۱

با توجه به مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر خصوصا اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ می‌توان گفت که حقوق بشر عبارت است از:

«مجموعه قواعد، مقررات و اصولی است که به منظور شناسایی حیثیت ذاتی و حقوق یکسان و غیر قابل انتقال کلیه اعضای حقوق بشر بر مبنای آزادی - عدالت و صلح در جهان به رسمیت شناخته شده است.»

تفصیل این حقوق در اسناد بین‌المللی فراوانی آمده که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

- ۱- آزادی تمام افراد بشر از بدو تولد و برابری از لحاظ حیثیت و حقوق بر مبنای عقل، وجدان و با توجه به روح برادری.
- ۲- بهره‌مندی از تمام حقوق و آزادی‌ها بدون توجه به نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده، ملیت، وضع اجتماعی، ثروت یا هر موقعیت دیگر.
- ۳- حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی و ممنوعیت برده داری و شکنجه.
- ۴- حق بهره‌مندی از دادرسی عادلانه و رجوع به محاکم صالح ملی.
- ۵- حق داشتن تابعیت و اخذ پناهندگی.
- ۶- برابری زن و مرد و ضرورت تحکیم مبانی خانواده و رعایت حقوق کودکان.
- ۷- آزادی فکر، وجدان و مذهب و حق استراحت، تفریح، کار آزادانه و آموزش و پرورش.
- ۸- قانونی بودن جرم و مجازات و اصل برائت و ممنوعیت توقیف، حبس یا تبعید خودسرانه.
- ۹- حق مشارکت در اداره امور عمومی کشور خواه مستقیما و خواه با وساطت نمایندگان منتخب.
- ۱۰- حق آزادی بیان و عقیده و ابراز آن‌ها.^۲

۱- Human rights.

۲- محقق داماد، دکترسید مصطفی، حقوق بشر دوستانه بین‌المللی رهیافت اسلامی، مرکز نشر علوم اسلامی ۱۳۸۳، ص ۲۷۰.

گفتار دوم - تعریف حقوق بشر دوستانه^۱

با توجه به چهار معاهده ژنو مصوب ۱۹۴۹ و دو پروتکل الحاقی مصوب ۱۹۷۷ ژنو می‌توان گفت که: حقوق بشر دوستانه بین‌المللی به مجموعه قواعد و مقرراتی گفته می‌شود که کلیه کشورها در هنگام جنگ‌ها و منازعات بین‌المللی و داخلی ملزم به رعایت آن‌ها می‌باشند.

حقوق بشر دوستانه بین‌المللی دارای چهار اصل اساسی است:

- ۱- افرادی که در جنگ شرکت نداشته و یا شرکت داشته‌اند اما به نحوی مخاصمه را ترک کرده و دیگر در آن شرکت نمی‌کنند، مورد حمایتند و باید حریم‌شان رعایت گردد. به علاوه باید با آنان انسانی رفتار شود و چنانچه به مراقبت پزشکی و یا درمان نیاز داشته باشند تسهیلات لازم باید برای آنان فراهم گردد.
 - ۲- با رزمندگانی که در بند و اسارت قرار گرفته‌اند و نیز سایر اشخاص محروم از آزادی باید انسانی رفتار شود و اعمال هرگونه خشونت با آنان ممنوع است و چنانچه آنان مورد تعقیب قضایی قرار گیرند باید برای‌شان تمام امکانات مرتبط با دادرسی عادلانه فراهم گردد.
 - ۳- حق طرف‌های مخاصمه مسلحانه در انتخاب شیوه جنگیدن و استفاده از ابزار آلات جنگی نامحدود نیست بلکه باید از حدود انصاف خارج نگردند، بدین معنا که از ایراد صدمات و خسارات بی‌حد و حصر و غیر لازم جداً احتراز کنند.
 - ۴- جمعیت‌های غیرنظامی و اموال ایشان و نیز اماکن غیرنظامی مورد حمایتند. نیروهای مسلح طرف‌های درگیر باید در هر حال میان جمعیت غیرنظامی و اموال ایشان از یک سو و اهداف نظامی و غیر نظامی از سوی دیگر تفکیک قائل شوند و به هیچ‌وجه نباید جمعیت‌های غیرنظامی، اموال آنان و اماکن غیرنظامی مورد تعرض و هدف حمله نظامی قرار گیرند.
- دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه تنگه «کورفو» اصول فوق را «اصول کلی حقوق بشر دوستانه بین‌المللی» قلمداد کرده است.^۲

۱- Humanitarian Law.

۲- حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، کنکاشی برای جهانی ساختن، ترجمه سلاله حبیبی امین، دانشگاه تهران، ۱۳۸۱، ص ۲۱.

فصل دوم: تاریخچه

گفتار اول: حقوق بشر دوستانه بین‌المللی

در نیمه قرن نوزدهم میلادی (۱۸۵۸ م) جنگ خانمان سوزی میان سه کشور ایتالیا، فرانسه و اتریش در محلی به نام سولفرینو (شمال ایتالیا) برافروخته شد که نتیجه آن حدود ۴۰/۰۰۰ معلول بود. یک بازرگان خیراندیش سوئسی به نام هانری دونان^۱ (۱۸۲۸ - ۱۹۱۰ م) که معرکه تلخ را به دیده مشاهده کرده و سخت تحت تاثیر صحنه‌های رقت‌بار و ویرانی‌ها و مصدومین و معلولین جنگ قرار گرفته بود به منظور مداوای آنان با افراد زیادی صحبت و مکاتبه کرد و بالاخره با نوشتن کتابی به نام «خاطرات سولفرینو» برای تسکین آلام بشری دو پیشنهاد ارائه کرد که در زمان خود بدیع بود:

- ۱- برای رسیدگی به وضع مجروحان جنگی بدون در نظر گرفتن ملیت و عقیده آنان در تمام کشورها کمیته‌ای تاسیس شود.
 - ۲- دولت‌های جهان در یک کنگره جهانی اجتماعی و طی معاهده‌ای اصول تخلف‌ناپذیر حقوق بشر دوستانه را به تصویب برسانند.
- در سال ۱۸۶۴ نمایندگان و مقامات رسمی از کشورهای مختلف اروپایی در ژنو تشکیل جلسه دادند و سازمان بین‌المللی صلیب سرخ شکل گرفت. ۲۶ کشور جهان با این هدف مقدس یعنی کمک به آسیب‌دیدگان جنگ بدون توجه به اینکه متعلق به کدام ملیت و ارتش هستند موافقت کردند.
- پس از جنگ جهانی و تجارب حاصل از خسارات فراوانی ناشی از آن در ژنو چهار معاهده به شرح زیر به تصویب رسید:
- ۱- معاهده نخست در باب بهبود وضعیت مجروحان جنگ‌های زمینی مصوب ۱۲ اوت ۱۹۴۹.
 - ۲- معاهده دوم راجع به وضعیت مجروحان و بیماران و غرق‌شدگان جنگ‌های دریایی مصوب ۱۲ اوت ۱۹۴۹.
 - ۳- معاهده سوم درباره رفتار با اسرای جنگی مصوب همان تاریخ.

۱- Henri Dunant.

۴- معاهده چهارم در باب حمایت از افراد غیرنظامی در اثنای جنگ مصوب همان تاریخ.

در معاهدات یاد شده به عملیات مستقیم جنگی پرداخته نشده و در خصوص آداب جنگ و محدودیت‌های آنان از نظر اسلحه مورد استفاده و یا افرادی که باید در اثنای جنگ مصون باشند و نیز اماکن مورد حمایت مقرراتی تصویب نگردید و شاید مورد غفلت قرار گرفت و صرفاً به سامان بخشیدن به وضعیت افرادی که از جنگ دست کشیده‌اند یا به دست دشمن اسیر شده‌اند توجه شد.

معاهدات ژنو به جنگ‌های بین‌المللی اختصاص داشت، در حالی که آزاد شدن ملت‌ها از زیربار استعمار خارجی و استبداد داخلی مخاصماتی را در دوران معاصر به وجود آورده که ویژگی بین‌المللی ندارد و درگیری‌های داخلی تلقی می‌گردند، قربانیان آن‌ها نیاز به حمایت دارند. به منظور رفع نقیصه مزبور در ۱۹۷۷ کنفرانسی در ژنو تشکیل و دو پروتکل به عنوان پروتکل‌های الحاقی به معاهدات چهارگانه به تصویب رسید.

این دو پروتکل نقیصه‌های مذکور را رفع و به ویژه اصول اساسی مربوط به حمایت از جمعیت‌های غیرنظامی را تثبیت و موازین رزمنده را از غیر رزمنده به‌طور دقیق تبیین کردند.

گفتار دوم - اعلامیه جهانی حقوق بشر

پس از اینکه ناتوانی جامعه ملل در نیل به اهدافش ثابت شد در ۲۵ آوریل ۱۹۴۵ کنفرانسی با شرکت نمایندگان پنجاه کشور بنا به دعوت قبلی آمریکا، شوروی، انگلیس، چین و فرانسه در سانفرانسیسکو تشکیل گردید و تا ۲۶ ژوئن همان سال ادامه یافت. در این کنفرانس منشور ملل متحد مورد تصویب واقع شد و از ۲۴ اکتبر همان سال قدرت اجرایی یافت.

منشور ملل متحد به عنوان اساس‌نامه سازمان ملل متحد مشتمل بر یک مقدمه و ۱۱۱ ماده و یک ضمیمه ۷۰ ماده‌ای مربوط به اساس‌نامه دیوان بین‌المللی دادگستری است طبق ماده ۷ منشور ملل متحد ارکان اصلی سازمان ملل متحد عبارتند از: ۱- مجمع عمومی ۲- شورای امنیت ۳- شورای اقتصادی، اجتماعی ۴- شورای قیمومیت ۵- دیوان بین‌المللی دادگستری ۶- دبیرخانه.

شورای اقتصادی، اجتماعی که به اختصار به آن اکوسوک^۱ گفته می‌شود مطابق مواد ۶۲ تا ۶۶ و ۶۸ منشور مامور انجام مطالعات و تهیه گزارش‌هایی در مسایل بین‌المللی مربوط به امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و سایر امور مربوط و توصیه‌هایی برای احترام واقعی به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و ترتیب دادن کنفرانس‌های بین‌المللی و ایجاد کمیسیون‌هایی برای مسایل اقتصادی و اجتماعی و ترویج حقوق بشر از جمله وظایف و اختیارات این شورا است. براساس ماده ۶۸ منشور ملل متحد و طبق قطعنامه شماره ۵ مورخ ۱۹۴۶ شورای اقتصادی و اجتماعی، کمیسیون حقوق بشر تاسیس شد. اولین و مهم‌ترین اقدام کمیسیون حقوق بشر تدوین و تنظیم اعلامیه جهانی حقوق بشر بود که در اجلاس سال ۱۹۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل که در پاریس تشکیل شد به تصویب رسید و مشتمل بر یک مقدمه و ۳۰ ماده است. اعلامیه حقوق بشر علی‌رغم اهمیت تاریخی و سیاسی که داراست به خودی خود از اعتبار حقوقی برخوردار نیست زیرا نه تضمیناتی به نفع خود در بردارد و نه ضمانت اجرایی علیه کشورها.

گفتار سوم - میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

با توجه به اینکه اعلامیه جهانی حقوق بشر فاقد ضمانت اجرایی بود و اساساً در برگیرنده کلیاتی بود که محتاج به تبیین و تفسیر است لذا کمیسیون حقوق بشر درصدد تدوین میثاق دیگری برآمد تا این معایب را تا حد امکان برطرف سازد و طرحی را درباره حقوق مدنی و سیاسی تهیه و جهت تصویب به مجمع عمومی سازمان ملل متحد پیشنهاد کرد. مجمع عمومی از سال ۱۹۵۵ طی جلسات متعددی این طرح را به همراه طرح دیگری درباره میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ماده به ماده بررسی نمود و سرانجام در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ آن‌ها را به انضمام یک پروتکل اختیاری که ضمیمه حقوق مدنی و سیاسی می‌باشد تصویب نمود. این دو میثاق حاوی تمام اصولی است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر درج گردیده. النهایه در برخی موارد شرح و تفسیر بیشتر داده شده و در برخی موارد نیز تغییراتی در آن دیده می‌شود. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در آوریل ۱۹۶۸ (۱۳۴۷) توسط نماینده دولت ایران امضا و در سال ۱۳۵۴ به تصویب پارلمان ایران رسید. این میثاق مشتمل بر یک مقدمه و ۵۳ ماده است. در ماده ۲۸ میثاق تاسیس

کمیته حقوق بشر پیش‌بینی شده است که به شکایات افراد و دولت‌ها طی تشریفات خاصی رسیدگی می‌کند و نظر کمیته حقوق بشر هم جنبه اعلامی دارد و فاقد ضمانت اجرای خاصی است.

بخش دوم - جرایم علیه حقوق بشر

فصل اول - جرم انگاری در حقوق ایران

منظور از جرایم داخلی یعنی آن دسته از جرایم است که نقض حقوق بشر تلقی می‌شوند و در قوانین داخلی کشورها جرم انگاری شده و برای آن مجازات تعیین شده است و در واقع حقوق بشر مذکور در اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد بین‌المللی ضمانت اجرای کیفری داخلی به آن‌ها داده شده است.

مقررات و معاهدات بین‌المللی در زمینه جرم‌انگاری جرایم علیه حقوق بشر در اکثر موارد جنبه اعلامی دارند و به حقوق داخلی کشورها ارجاع داده شده‌اند تا دولت‌ها براساس مقررات داخلی خود ضمانت اجرای کیفری مناسب را پیش‌بینی نمایند. قوانین و مقررات داخلی کشور ایران مملو از این دسته از مقررات است که به عنوان نمونه به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱- ممنوعیت بازداشت خودسرانه: مطابق ماده ۵۷۵ قانون مجازات اسلامی

«هرگاه مقامات قضایی یا دیگر ماموران ذیصلاح برخلاف قانون توقیف یا دستور بازداشت یا تعقیب جزایی یا قرار محکومیت کسی را صادر نمایند به انفصال دایم از سمت قضایی و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت پنج سال محکوم خواهند شد.»

۲- ممنوعیت شکنجه: مطابق اصل ۳۸ قانون اساسی «هرگونه شکنجه برای

گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت، اقرار و سوگند فاقد ارزش و اعتبار است و متخلف از این اصل، طبق قانون مجازات می‌شود» و ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی شکنجه برای اخذ اقرار را جرم تلقی نموده و علاوه بر قصاص یا دیه حسب مورد، شش ماه تا سه سال حبس برای مرتکب آن و دستوردهنده آن در نظر گرفته است.

۳- ممنوعیت استراق سمع و کشف مکالمات تلفنی و مراسلات

پستی و مخابراتی: مطابق ماده ۵۸۲ قانون اساسی مجازات اسلامی این

اعمال نیز جرم بوده و مرتکب به حبس از یک سال تا سه سال و جزای نقدی محکوم خواهد شد.

۴- **ممنوعیت هتک حرمت اشخاص:** به موجب مواد ۵۱۶، ۵۱۷، ۶۰۸ هرگونه

سوءقصد اهانت، هتاکی و فحاشی نسبت به اشخاص ممنوع و جرم قلمداد شده برای آن مجازات در نظر گرفته شده است.

البته کمیسیون سابق حقوق بشر و شورای فعلی حقوق بشر سازمان ملل متحد براساس برخی گزارشات واصله از ناحیه کشورها و نماینده ویژه کمیسیون در مقاطع مختلف ایران را به دلیل نقض حقوق بشر محکوم کرده است و اخیراً نیز در کمیته سوم مجمع عمومی نیز قطعنامه‌ای به همین عنوان علیه ایران صادر شده که بیشتر به مقررات شرعی مندرج در قوانین ایران اشاره دارد.

فصل دوم- جرم‌انگاری در حقوق بین‌المللی

منظور از جرایم بین‌المللی علیه بشریت، آن دسته از جرایم هستند که در اسناد بین‌المللی و معاهدات مختلف مورد اشاره قرار گرفته‌اند که اهم آن‌ها عبارتند از:

۱- **ممنوعیت برده‌گیری و برده‌برداری:** به موجب قرارداد تکمیلی منع

بردگی و برده‌فروشی و عملیات و ترتیبی که مشابه بردگی است که در سپتامبر ۱۹۵۶ به تصویب رسید و ایران هم در سال ۱۳۳۷ به آن ملحق شد بردگی به معنی حال و وضع کسی است که اختیارات ناشی از حق مالکیت کالا یا جزءاً نسبت به او اعمال شود و برده حال یا وضع کسی است که در چنین حال یا وضعی باشد به‌موجب این معاهده هرگونه تجارت یا حمل و نقل برده با هر وسیله‌ای ممنوع اعلام شده است.

۲- **ممنوعیت کار اجباری:** به موجب مقاوله‌نامه شماره ۲۹ و ۱۰۵ سازمان

بین‌المللی کار مصوب ۱۹۵۷ کار اجباری لغو گردید و چنین تصویب شده است: «کار قهری یا اجباری به کار یا خدماتی اطلاق می‌شود که با تهدید به مجازات و بی‌آنکه شخص ذینفع به میل و رضای خاطر برای انجام آن داوطلب باشد به وی تحمیل می‌گردد» البته خدمت نظام وظیفه و هرگونه کار و خدمت در

نتیجه محکومیت در دادگاه‌های صالح و کار به حکم فرس ماژور مانند جنگ و سیل و مانند آن استثناء شده است.

۳- **منع کشتار جمعی یا ژنو سید**^۱: مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۶ قرارداد بین‌المللی جلوگیری از کشتار جمعی را تصویب نمود که دولت ایران نیز به آن ملحق گردید و در سال ۱۳۳۴ با تصویب مجلس جنبه قانونی یافت. به موجب این معاهده کشتار جمعی منع گردیده و مرتکبین کشتار جمعی مجرم عادی (نه سیاسی) محسوب می‌گردند و نه تنها ارتکاب ژنوسید قابل مجازات است بلکه شرکت در جرم و شروع به ارتکاب و تبانی و تحریک مستقیم و علنی برای ارتکاب ژنوسید نیز قابل مجازات است و اشخاص بزهکار به دادگاه‌های صالح کشوری که جرم در آن جا ارتکاب شده و یا به دادگاه کیفری بین‌المللی که طرف‌های متعاقد صلاحیت آن را شناخته باشند، جلب خواهند شد.

۴- **منع تبعیض نژادی (آپارتاید)**^۲: قرارداد بین‌المللی، رفع هرگونه تبعیض نژادی در ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید. در ماده اول این کنوانسیون هر نوع تمایز و ممنوعیت یا محدودیت یا رجحان براساس نژاد و رنگ و یا منشا ملی و قومی مردود اعلام شده است. به موجب این قرارداد بین‌المللی دولت‌های متعاقد باید نشر هر نوع افکار مبتنی بر تفوق یا نفرت نژادی و تحریک به تبعیض نژادی را قانوناً از جرایم قابل مجازات اعلام نمایند. در اجرای این کنوانسیون دولت ایران در سال ۱۳۵۶ قانون مجازات تبعیض نژادی را به تصویب مجلس رساند و حبس خنجه‌ای تا ۶ ماه و جزای نقدی را برای مرتکب نشر هر نوع افکار مبتنی بر تبعیض نژادی و هر نوع مساعدت به فعالیت‌های تبعیض نژادی در نظر گرفت.

کنوانسیون بین‌المللی منع مجازات آپارتاید مصوب سی‌ام نوامبر ۱۹۷۳ که ایران در سال ۱۳۶۳ آن را به تصویب مجلس رساند نیز آپارتاید را به‌عنوان جنایت تعریف کرده است و از کشورهای طرف کنوانسیون خواسته است تا به تصویب

۱- Genocide

۲- Apartheid.

قوانین و اتخاذ تدابیر فردی به اشخاص و گروه‌هایی را که مرتکب جنایت آپارتاید می‌شوند محاکمه و مجازات کنند.

۵- **رفع تبعیض علیه زنان:** کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض علیه زنان در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ طی قطعنامه ۳۴/۱۸۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید و سوم سپتامبر ۱۹۸۱ با گذشتن سی روز از تودیع بیستمین سند الحاق یا تصویب، لازم‌الاجرا شد.

در ماده یک این کنوانسیون تبعیض علیه زنان به معنی قائل شدن هرگونه تمایز، استثناء یا محدودیت براساس جنسیت است که بر به رسمیت شناختن حقوق بشر زنان و آزادی‌های اساسی آن‌ها و بهره‌مندی و اعمال حقوق آن‌ها بر پایه مساوات با مردان، صرف‌نظر از وضعیت تاهل آن‌ها در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و دیگر زمینه‌ها اثر مخرب دارد یا اصولاً هدف از بین بردن این وضعیت است. در ماده ۲ کنوانسیون دولت‌های عضو ملزم شده‌اند که نسبت به اتخاذ تدابیر قانونی از جمله وضع ضمانت اجرای مناسب به منظور جلوگیری از اعمال تبعیض علیه زنان اقدام نموده و به‌منظور حصول تضمین و اطمینان از حمایت موثر زنان علیه هر نوع تبعیض از طریق دادگاه‌های صالح ملی و دیگر موسسات عمومی اقدام نمایند.

در ماده ۶ دولت‌ها را مکلف کرده که هر نوع اقدام مقتضی برای ممنوع اعلام کردن معامله بر روی زنان و بهره‌برداری از فحش‌های آنان اقدام نموده و به وضع قانون دست بزنند. خیلی از کشورها از جمله ایران هنوز به این کنوانسیون نپیوسته‌اند.

بخش سوم - ضمانت اجرای کیفی

فصل اول - ضمانت اجرای کیفی داخلی

بسیاری از کشورها همانطور که در بخش جرائم داخلی توضیح دادیم برای جرایم علیه حقوق بشر ضمانت اجرای کیفی در نظر گرفته و به موجب قوانین داخلی این جرایم را قابل مجازات دانسته‌اند که به برخی از آن‌ها قبلاً اشاره کردیم.

فصل دوم - ضمانت اجرای کیفی بین‌المللی

گفتیم که معاهدات بین‌المللی که کشورها به آن پیوسته‌اند در اکثر مواقع برای تضمین قواعد خود به مراجع داخلی کشورها ارجاع داده‌اند تا به موجب قوانین داخلی مقررات اصولی مربوط به حقوق بشر را تضمین کرده و ناقضین آن را مجازات نمایند ولی این مقدار کافی نبوده و در مواردی که کشورها خود ناقض حقوق بشر باشند یا اینکه با ناقضین حقوق بشر مماشات نمایند چاره‌ای جز برخورد بین‌المللی از طریق مراجع بین‌المللی نیست که در ذیل به اهم آن‌ها اشاره می‌کنیم:

گفتار اول - شورای امنیت سازمان ملل متحد

ماده ۱ (۳) و ماده ۵۵ و ۵۶ منشور سازمان ملل متحد مسئولیت پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی افراد را بر عهده سازمان ملل متحد قرار داده است و به موجب ماده ۳ منشور، شورای امنیت مسئول حفظ صلح و امنیت بین‌المللی شده است که در اجرای فصل هفتم منشور، شورای امنیت سازمان ملل متحد در مقابله با هر گونه اقدام که تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی شود (از جمله نقض فاحش و شدید حقوق بشر) می‌تواند اقدامات تنبیهی علیه کشورها را به کار گیرد که از تحریم اقتصادی گرفته تا اقدام نظامی را در بر می‌گیرد. ضمناً همان‌طور که خواهیم گفت می‌تواند موضوع را به دادگاه کیفری بین‌المللی ارجاع دهد.

گفتار دوم - شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد

در سند نهایی اجلاس سران ۲۰۰۵ سران کشورها از رییس مجمع عمومی ملل متحد خواستند که طی مذاکراتی آزاد، شفاف و جامع در جریان شصتمین اجلاس مجمع عمومی موضوعات مربوط به وظایف، ترکیب، عضویت، شیوه کاری و آیین کاری شورای حقوق بشر تعیین شود. در راستای اجرای درخواست سران کشورها، رییس اجلاس شصتم مجمع عمومی ملل متحد (یان الیاسون از سوئد) سفرای کشورهای پاناما و آفریقای جنوبی را برای هماهنگی و برگزاری جلسات غیر رسمی و رایزنی بین هیات‌های کشورهای عضو سازمان ملل در خصوص شورای حقوق بشر تعیین نمود و کشورهای مختلف با تشکیل بیش از ۳۰ جلسه رایزنی موضوعات مختلف مرتبط با شورا را مورد بحث و بررسی قرار دادند. پس از برگزاری جلسات غیر رسمی رایزنی بین هیات‌های کشورهای عضو سازمان ملل متحد، نهایتاً پیش‌نویس قطعنامه تاسیس شورای حقوق بشر از سوی رییس مجمع عمومی تهیه و توزیع گردید. قطعنامه مزبور در هفتاد و دومین اجلاس عمومی مجمع در تاریخ ۱۵ مارس ۲۰۰۶ مطرح و با درخواست رای‌گیری از سوی هیات آمریکا به رای‌گیری گذرانده شد و با ۱۷۰ رای مثبت و ۴ رای منفی (آمریکا، اسرائیل، جزایر مارشال و پالو) و ۳ رای ممتنع (ایران، بلاروس و ونزوئلا) به تصویب رسید.

به موجب بند ۶ قطعنامه شورای حقوق بشر موظف است مجموعه اختیارات، وظایف، مسئولیت‌ها و ساز و کارهای کمیسیون حقوق بشر را برعهده گیرد. شورا مرکب از ۴۷ عضو است که با رای مستقیم و با اکثریت مجمع عمومی انتخاب می‌شوند که ۱۳ عضو آفریقایی، ۱۳ عضو آسیایی، ۶ عضو اروپای شرقی، ۸ عضو کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب، ۷ عضو اروپای غربی و دیگر کشورها به مدت ۳ سال انتخاب می‌شوند. (ایران با ۵۸ رای مثبت از آسیا نتوانست انتخاب و به عضویت دست یابد).

در این قطعنامه آمده بود که کمیسیون حقوق بشر در ۱۶ جون ۲۰۰۶ رسماً منحل خواهد شد و این شورا کار خود را آغاز خواهد کرد. در بند ۸ قطعنامه آمده است که شورا باید از طریق گفتگو و همکاری به منظور جلوگیری از نقض حقوق بشر مشارکت نموده و فوراً نسبت به وضعیت‌های اضطراری حقوق بشر اقدام لازم به عمل آورد.

گفتار سوم - دیوان اروپایی حقوق بشر

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر هسته مرکزی نظام هنجاری شورای اروپا در زمینه حقوق بشر است، اهمیت این کنوانسیون از چند جنبه قابل تامل است: این کنوانسیون نخستین معاهده جامع و کامل در این زمینه در جهان است همچنین نخستین نظام دادرسی بین‌المللی برای رسیدگی به شکایات فردی و اولین دادگاه بین‌المللی برای موضوعات حقوق بشر را تاسیس نموده است. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که از نظر محتوا و شیوه نظارت مهم‌ترین کنوانسیون تهیه شده توسط شورای اروپا است به نام موجز «کنوانسیون اروپا در صیانت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین» است که در ۴ نوامبر ۱۹۵۰ در کاخ باربرینی، به ریاست کنت اسفورزا به امضای رسمی ۱۵ دولت عضو شورای اروپا رسید. این کنوانسیون ثمره یک رشته سازش‌هایی است که پس از جنگ جهانی دوم شکل گرفته بود. حد نصاب برای لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون امضای رسمی ده دولت عضو بود. فرانسه با اینکه در تدوین کنوانسیون نقش قوه محرکه را داشت سرانجام بعد از مدت‌ها یعنی در ۳ مه ۱۹۷۴ آن را به تصویب رساند انگلیس در ۸ مه ۱۹۵۳ و نروژ، سوئد و آلمان در سال ۱۹۵۲ و ایرلند، یونان، دانمارک، ایسلند و لوکزامبورگ در سال ۱۹۵۳، آخرین تصویب با مشارکت سار^۱ را در ۳ سپتامبر ۱۹۵۳ موجبات لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون شد (وزیر خارجه وقت فرانسه علت تاخیر در تصویب کنوانسیون را مسائل مختلف و تکوین جامعه اقتصادی اروپا، جنگ الجزایر و نیز عدم علاقه ذاتی ادارات و دستگاه‌های دولتی فرانسه به ایجاد تغییر در عادات‌شان به وسیله یک مقام فرا ملی عنوان کرد).

کشورهای عضو اتحادیه اروپا در مدت زمان نسبتاً کوتاهی پس از امضا و حداکثر در ۲۸ ژوئن ۱۹۹۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را به تصویب مجالس قانون‌گذاری خود رساندند.

سه عامل اصلی را در تصویب کنوانسیون موثر دانسته‌اند:

- اول: پاسخی به خشونت‌های صورت گرفته در اروپا در طول جنگ جهانی دوم.
- دوم: اعتقاد به این مساله که دولت‌هایی که به حقوق بشر احترام می‌گذارند معمولاً به همسایگان خود تعرض و تجاوز نمی‌کنند.

۱- Sarre - قلمرویی در اروپا که امروزه جزو کشور آلمان می‌باشد.

سوم: بهترین راه، جهت حصول اطمینان از قرار گرفتن آلمان به عنوان نیرویی برای ایجاد صلح در کنار فرانسه، بریتانیا و دیگر دولت‌های اروپای غربی از طریق اتحاد منطقه‌ای و نهادینه کردن ارزش‌های عمومی و فراگیر بود. این راهکار در تباین آشکار با رویکرد مجازاتی و جبرانی که در معاهده ۱۹۱۹ ورسای بعد از جنگ جهانی اول گنجانده شده بود قرار داشت.

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر اولین سند بین‌المللی حقوق بشر است که از سطح وسیعی از حقوق مدنی و سیاسی حمایت می‌کند و به شکل معاهده الزام‌آور برای طرف‌های متعاقد در آمده است. بخش اول کنوانسیون که ماده ۲ تا ۱۸ را شامل می‌شود حقوق و آزادی‌های مورد حمایت کنوانسیون را بر شمرده است.^۱

در پروتکل‌های الحاقی نیز برخی حقوق دیگر مورد توجه قرار گرفته که مهم‌ترین آن‌ها حق بهره‌مندی از اموال و دارایی شخصی، حق آموزش و پرورش، حق آزادی انتخابات با رای مخفی، ممنوعیت مجازات اعدام می‌باشد. از ۱۹۵۲ تاکنون ۱۴ پروتکل به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر اضافه شده است.

بخش دوم کنوانسیون که در واقع مولود پروتکل شماره ۱۱ است ضمن معرفی دیوان اروپایی حقوق بشر به بیان نحوه آیین دادرسی، نحوه انتخاب و عزل قضات و مسایلی از این قبیل می‌پردازد. فکر استفاده از یک دادگاه بین‌المللی منطقه‌ای برای حمایت از حقوق بشر در اروپا در مذاکراتی که منتهی به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر شد، مطرح گشت و ایده آن توسط نماینده انگلستان یعنی وینستون چرچیل در اولین اجلاس مشورتی اروپا در ۱۷ اوت ۱۹۴۹ مطرح شد.

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر با لازم‌الاجرا شدن پروتکل شماره ۱۱ در سال ۱۹۹۸ وارد مرحله جدیدی از حیات خود شد. با لازم‌الاجرا شدن این پروتکل سیستم دو مرحله‌ای نظارت بر حسن اجرای این کنوانسیون که عبارت بود از رسیدگی به شکایات توسط یک کمیسیون پیش از رسیدگی دادگاه به یک رسیدگی یک مرحله‌ای تبدیل شد دادگاه جدید

۱- ماده ۲- حق حیات، ماده ۳- ممنوعیت شکنجه یا مجازات‌های غیر انسانی، ماده ۵- منع بردگی و کار اجباری، حق آزادی و امنیت فردی، ماده ۶- حق دادرسی عادلانه، ماده ۷- ممنوعیت مجازات بدون وجود قانون، ماده ۸- محترم بودن حریم خصوصی و زندگی خانوادگی، ماده ۹- حق آزادی اندیشه، وجدان و مذهب، ماده ۱۰- آزادی بیان، ماده ۱۱- آزادی تشکیل اجتماعات و انجمن‌ها، ماده ۱۲- حق ازدواج و تشکیل خانواده، ماده ۱۳- حق دسترسی موثر به مراجع قضایی، ماده ۱۴- ممنوعیت تبعیض، مهم‌ترین حقوقی هستند که در متن کنوانسیون ذکر شده‌اند.

اروپایی حقوق بشر رأساً به شکایات وارده علیه نقض حقوق و آزادی‌های مطرح در کنوانسیون اروپایی خواهد پرداخت.

افزون بر رسیدگی به شکایات نقض حقوق بشر، دادگاه اروپایی نظرات مشورتی در زمینه مسایل حقوقی مرتبط با تفسیر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر صادر خواهد کرد. این دادگاه جانشین دادگاهی شد که در سال ۱۹۵۹ تاسیس شده بود و همراه با کمیسیون اروپایی حقوق بشر (که نقش دادسرا را ایفا می‌کرد) به رسیدگی شکایات می‌پرداختند. دادگاه اروپایی حقوق بشر در استراسبورگ فرانسه مستقر است و از مجمع عمومی که فاقد نقش قضایی است و کمیته قضات، شعب و شعب عالی تشکیل شده است که این سه مورد اخیر نقش قضایی دارند. وظایف مجمع عمومی عبارتند از: انتخاب رییس دیوان و یک یا دو نایب رییس برای مدت سه سال، ایجاد شعب برای مدتی معین (سه سال به موجب بند ۱ ماده ۲۵ نظام‌نامه دیوان) و انتخاب روسای شعب دیوان که قابل انتخاب مجدد هستند.

کمیته‌های سه‌گانه مرکب از ۳ قاضی که اعضای آن از بین قضات شعب به نوبت برگزیده می‌شوند وظیفه انجام دادن تحقیقات مربوط به دعاوی مطروح نزد دیوان را برعهده دارند.

شعب دیوان از هفت قاضی تشکیل شده که صلاحیت اصولی برای رسیدگی به پرونده‌ها را داراست و مرجع عادی برای تصمیم‌گیری به شمار می‌رود. شعب عالی متشکل از ۱۷ قاضی است که فقط یک شعبه دارد. برای حفظ یگانگی و وحدت در آرای قضایی وظایف شعبه عالی عبارتند از:

- ۱- رسیدگی به دادخواست‌های فردی و دولتی که برعهده دیوان اروپایی نهاده شد، چنانچه شعبه رسیدگی‌کننده به مسئله‌ای مهم در ارتباط با تفسیر کنوانسیون یا پروتکل الحاقی برخورد کنند یا تصمیمی که شعب می‌خواهند بگیرند در تعارض با یکی از آرای باشد که قبلاً صادر شده است شعبه مذکور می‌تواند تا زمانی که رای صادر نکرده است به نفع شعبه عالی از رسیدگی امتناع کند.
- ۲- رسیدگی استینافی آرای شعب مختلف که به استناد ماده ۴۳ کنوانسیون هریک از اصحاب دعوا مجاز است ظرف مدت ۳ ماه از تاریخ صدور حکم تقاضای رسیدگی استینافی خود را به شعبه عالی ارائه دهد که در این صورت هیاتی ۵

نفره مرکب از قضات شعبه عالی به بررسی شکایت پرداخته و چنانچه آن را در مجموعه حاوی مسئله‌ای کلی بدانند که اهمیت خاصی دارد شکایت استینافی را پذیرفته و جهت اتخاذ تصمیم و صدور رای به دیوان حاله می‌دهند.

۳- به استناد ماده ۴۷ کنوانسیون کمیته وزرا می‌تواند نظر دیوان را در ارتباط با تفسیر مسائل حقوقی مربوط به کنوانسیون و پروتکل‌های آن اعلام کند.^۱

گفتار چهارم - دادگاه‌های کیفری بین‌المللی

مبحث اول - دادگاه‌های کیفری بین‌المللی خاص و موقتی

این دادگاه‌ها پس از جنگ‌های بین‌المللی و یا منازعات بین‌المللی که تهدیدی بر علیه صلح و امنیت جهانی محسوب می‌شده‌اند تشکیل شده و به جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت رسیدگی نموده‌اند که عبارتند از:

۱- محکمه نورنبرگ:

این محکمه، مجرمان اصلی در جبهه اروپا را محاکمه می‌کرد و از هشت عضو تشکیل می‌شد، یعنی هر یک از چهار کشور آمریکا، انگلستان، فرانسه و شوروی یک عضو اصلی و یک عضو علی‌البدل معرفی کرده کیفر خواست‌ها نیز توسط کمیته‌ای که از وکلای چهار کشور تشکیل می‌شد صادر می‌گشت.

در اکتبر ۱۹۴۵ کمیته مذکور کیفر خواستی علیه ۲۴ افسر عالی رتبه نظامی صادر کرد. جلسات این محکمه در ۴ نوامبر ۱۹۴۵ برگزار و پس از ۲۱۶ جلسه فعالیت آخرین روز ۳۱ اوت ۱۹۴۵ تشکیل شد. محکمه ۱۲ حکم اعدام، ۷ حکم

۱- نحوه انتخاب قضات دیوان اروپایی حقوق بشر:

تعداد قضات برابر با تعداد دولت‌هایی است که طرف عالییه قرارداد محسوب می‌شوند (ماده ۳-۲۱ پروتکل شماره ۱۱) قضات باید از سجایای والای اخلاقی برخوردار بوده و واجد شرایط تصدی مقامات عالی قضایی بوده و مجمع پارلمان شورای اروپا با اکثریت آرا از روی لیست ۳ نفره کاندیدهای منتخب دولت‌های متعاقد به گزینش قضات اقدام می‌کند و در صورت پیوستن کشورهای جدید به کنوانسیون یا برای تکمیل یا اشغال کرسی‌های خالی همان تشریفات دنبال خواهد شد. قضات برای مدت ۶ سال برگزیده می‌شوند و در طول مدت خدمت از هرگونه فعالیتی که با استقلال، بی‌طرفی یا حضوری که برای یک فعالیت تمام وقت ممکن است مانع الجمع باشد ممنوع می‌باشند. فقط زمانی می‌توان قاضی را از خدمت برکنار کرد که اکثریت ۲/۳ قضات دیوان تشخیص دهند. حکم دیوان، حاوی نظر قضات آن در خصوص نقض یا عدم نقض حقوق تضمین شده در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و پروتکل‌های الحاقی آن است. این حکم فقط اعلامی است و قاضی اروپایی نمی‌تواند تدابیر اجباری علیه دولت محکوم اتخاذ کند. در صورت لزوم دیوان راجع به جبران خسارت منصفانه و پرداخت غرامت به طرف متضرر نیز اظهار عقیده خواهد کرد تا آن مبلغ به وی پرداخت شود (ماده ۱۴ کنوانسیون).

طبق ماده ۱-۴۶ کنوانسیون، متعاهدان متعهد می‌شوند که طبق رای دیوان عمل کنند و برخلاف کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (ماده ۲-۶۱) در کنوانسیون اروپایی ماده‌ای برای قابلیت اجرایی مستقیم احکام دیوان وجود ندارد.

حبس و ۳ حکم برائت صادر کرد و از میان ۱۸ متهمی که به ارتکاب جرایم علیه بشریت متهم شده بودند تنها دو تن تبرئه شدند.

۲- محکمه توکیو:

این محکمه ناشی از منشور توکیو بود که پیوست اعلامیه ژنرال مک آرتور بود و به مجرمان اصلی جنگ می‌پرداخت. در ۲۹ آوریل ۱۹۴۶ کیفرخواستی علیه ۲۸ ژاپنی صادر شده که ۵۵ فقره اتهام را در برداشت که فقرات ۵۳ الی ۵۵ راجع به سایر جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت بود. محکمه در ۳ می ۱۹۴۶ در توکیو آغاز به کار نمود و در ۴ نوامبر ۱۹۴۸ رای خود را صادر کرد و تمامی متهمان به شرح زیر محکوم شدند: ۷ نفر به اعدام، ۱۶ نفر به حبس ابد، یک نفر به ۲۰ سال حبس و دیگری به ۷ سال حبس.

۳- محاکمات شورای کنترل متفقین:

با توجه به اینکه کشور آلمان توسط متفقین اشغال شده بود آن‌ها شورای کنترلی را برای اداره امور آزاد کشور تشکیل داده بودند و مطابق قانون دهم این شورا مصوب ۲۰ دسامبر ۱۹۴۵ (که برخلاف دو منشور لندن و توکیو سند بین‌المللی محسوب نمی‌شد و فقط در آلمان قابل اجرا بود) محاکمه نظامی از سوی متفقین محاکمه جنایتکاران جنگی تشکیل می‌شد و کشورهای آمریکا ۴۵۰ اعدام، انگلستان ۲۴۰ اعدام، فرانسه ۹ اعدام، شوروی تعداد نامعلومی حکم اعدام صادر کردند.

۴- محاکم یوگسلاوی سابق و رواندا:

اساس نامه این دو محکمه در سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد تصویب شدند تا به جرایم ارتکاب یافته در یوگسلاوی سابق و رواندا رسیدگی نمایند.

در اساس نامه این دو دادگاه به جرایم علیه بشریت اشاره شده است و این دو دادگاه چون همانند دادگاه‌های قبلی توسط دولت‌های پیروز در جنگ تشکیل نشده بودند به‌عنوان دقیق‌تری محکمه بین‌المللی محسوب می‌شد که با توجه به اهمیت موضوع مختصری از سرگذشت این دو دادگاه را ذکر می‌کنیم:

الف- جرایم علیه بشریت در یوگسلاوی سابق:

پس از فروپاشی شوروی سابق و فعالیت‌های آزادی بخش در کشورهای بلوک شرق از جمله در یوگسلاوی سابق و استقلال کرواسی در سال ۱۹۹۱ و بوسنی هرزگوین در سال ۱۹۹۲ جنگ بین گروه‌های مختلف آغاز شده و صرب‌های بوسنی و کرواسی به کمک ارتش صربستان و مونته‌نگرو برای جدا کردن قسمت‌های صرب‌نشین در دو دولت مستقل جدید و اقدام به تشکیل صربستان بزرگ تهاجم وسیعی را شروع کردند. در تابستان ۱۹۹۲ یعنی چند ماه پس از آغاز جنگ اولین گزارشات در مورد جرایم علیه بشریت مخصوصاً جرایم جنسی توسط صرب‌ها علیه سایرین به‌ویژه مسلمانان گزارش شد. در اکتبر سال ۱۹۹۲ به دنبال انتشار گسترده اخبار راجع به جنگ بوسنی هرزگوین، شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه شماره ۷۸۰ را صادر و اقدام به تشکیل کمیسیون خبرگان نمود تا به بررسی موارد نقض کنوانسیون‌های ژنو و نیز نقض حقوق بشر دوستانه بین‌المللی در بوسنی بپردازد. کمیسیون خبرگان نهایتاً منجر به تشکیل دادگاه کیفری بین‌المللی برای محاکمه مجرمین جنگی در یوگسلاوی سابق به موجب قطعنامه شماره ۸۸۰ شورای امنیت گردید. این قطعنامه در ۳ می ۱۹۹۳ به شورای امنیت تسلیم شد و اساس‌نامه دادگاه در ۲۵ می ۱۹۹۳ به موجب قطعنامه شماره ۸۲۷ به اتفاق آرا مورد تصویب شورای امنیت قرار گرفت.

آقای «ریچارد گولدستون» تبعه آفریقای جنوبی به‌عنوان دادستان دادگاه منصوب شد و اولین کیفرخواست خود را در نوامبر ۱۹۹۴ علیه «دراگان نیکولیچ» صادر کرد که فرمانده اردوگاه دهشت بار «سوسیکا» بود. وظیفه دادگاه رسیدگی به جرایم جنگی، نسل‌کشی و جرایم علیه بشریت بوده است.

ب- نسل‌کشی و خشونت جنسی در رواندا:

از سال ۱۹۹۰ به بعد کشور رواندا شاهد یکی از بدترین انواع نسل‌کشی از سوی دیکتاتور حاکم بر آن هابیاریمانا^۱ و همسرش بود. این رژیم به وسیله اشغال نظامی مشترک فرانسه و ژنرال در اواخر سال ۱۹۹۰ روی کار آمد و از همان ابتدا اقدامات خود را علیه اقلیت توتسی^۲ که قبلاً بر این کشور حکومت می‌کردند آغاز نمود. این اقدامات در

۱- Habyarimana.

۲- Tutsi.

اوایل سال ۱۹۹۲ شدت گرفت و از آن زمان اقدامات متعددی برای نابودسازی تمام نژاد توتسی و آن دسته از افراد قبیله هوتو^۱ که مخالف رژیم حاکم بودند یا به توتسی‌ها کمک می‌کردند انجام شد. در اواسط سال ۱۹۹۴ حدود نیمی از جمعیت رواندا یا به قتل رسید و یا کشور را ترک کرده بودند. در اثنای نسل‌کشی سال ۱۹۹۴ در رواندا زنان این کشور (که عمدتاً توتسی و یا از حامیان آن‌ها و یا شوهر توتسی داشتند) مورد خشونت‌های جنسی فراوان از سوی شبه نظامی‌ها، ارتش (از جمله گارد ریاست جمهوری) و مردم عادی قرار گرفتند. در ششم آوریل سال ۱۹۹۴ هواپیمای رییس جمهور، هابیاریمانا، در هنگام بازگشت از یک کنفرانس صلح در تانزانیا ساقط شد و متعاقباً توسط جبهه میهنی رواندا^۲ رژیم سرنگون شد. با گذشتن سه هفته از سقوط هواپیمای حامل رییس جمهوری اوگاندا گزارش‌های غیررسمی نشان می‌داد که حدود ۲۰۰/۰۰۰ نفر در رواندا به قتل رسیده‌اند در نتیجه در ۲۹ آوریل ۱۹۹۴ دبیر کل سازمان ملل متحد طی نامه‌ای به شورای امنیت سازمان ملل متحد نظر آن شورا را به این مشکل جلب کرد.

شورای امنیت به موجب قطعنامه شماره ۹۵۵ مورخ ۸ نوامبر ۱۹۹۴ با اشاره به وظایفی که به موجب فصل هفتم منشور ملل متحد از آن‌ها برخوردار است و نیز با اشاره به درخواست مورخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۹۴ دولت جدید رواندا که طی آن تشکیل یک محکمه بین‌المللی برای محاکمه جنایت‌کاران درخواست شده بود، نسبت به ایجاد محکمه‌ای اقدام کرد که نام آن محکمه کیفری بین‌المللی برای تعقیب اشخاصی که مقصر به ارتکاب نسل‌کشی و سایر موارد نقض جدی حقوق بشر دوستانه بین‌المللی در سرزمین رواندا بوده‌اند و نیز تعقیب اتباع رواندایی که مقصر به ارتکاب نسل‌کشی و تخلفات دیگری از این دست در کشورهای همسایه بین اول ژانویه ۱۹۹۴ و ۳۱ دسامبر ۱۹۹۴ می‌باشند. به موجب قطعنامه شماره ۱۴۸ مورخ ۲۱ فوریه ۱۹۹۵ شهر آروشا^۳ در تانزانیا به عنوان مقر دیوان تعیین شد و دیوان در ۲۶ ژوئن ۱۹۹۵ کار خود را با برگزاری جلسه‌ای بین یازده قاضی آن در شهر لاهه آغاز کرد. دادستان دیوان در اینجا نیز آقای ریچارد گولدستون بوده است. محکمه رواندا اولین جلسه خود در آروشا در ۸ ژانویه ۱۹۹۶ تشکیل داد و اولین کیفرخواست در ۱۲ دسامبر ۱۹۹۵ صادر شده و در کل ۲۱ نفر طی ۱۳ فقره کیفرخواست

۱- Hutu.

۲- RPF.

۳- Arusha.

مورد اتهام قرار گرفته‌اند. قضات محکمه رواندا در روزهای ۲۴ و ۲۵ می ۱۹۹۵ از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد به مدت چهار سال انتخاب شدند که شش نفر از کشور سوئد، سنگال، بنگلادش، روسیه، آفریقای جنوبی و تانزانیا هستند. اعضای محکمه تجدید نظر نیز از کشورهای ایتالیا (رییس)، کانادا، چین، استرالیا و نیجریه می‌باشند.^۱

مبحث دوم - دیوان کیفری بین‌المللی^۲

مجمع عمومی سازمان ملل متحد که از سال ۱۹۸۹ به طور پیگیر مساله تاسیس یک دادگاه کیفری بین‌المللی را دنبال کرده بود سرانجام توانست اساس‌نامه تاسیس دیوان کیفری بین‌المللی را در تاریخ ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸ (۲۶ تیر ۱۳۷۷) به تایید اکثریت دولت‌های شرکت کننده در کنفرانس دیپلماتیک رم که ۱۶۰ کشور جهان گرد هم آمده بودند برسانند. اساس‌نامه دیوان شامل ۱۲۸ ماده است که به موجب ماده ۱۲۶ آن اولین روز ماه بعد از شصتمین روز از تاریخ تصویب، پذیرش، موافقت یا الحاق شصتمین دولت لازم‌الاجرا خواهد شد. تاکنون ۱۳۹ دولت جهان و از جمله ایران اساس‌نامه را امضا نموده‌اند و تا ۳۱ دسامبر سال ۲۰۰۰ در نیویورک برای امضای دولت‌ها نزد سازمان ملل مفتوح بود. اکنون ۹۹ کشور که ایران از جمله آن‌ها نیست، اساس‌نامه را تصویب نموده‌اند. نام رسمی اساس‌نامه «اساس‌نامه رم در مورد تاسیس دیوان کیفری بین‌المللی» است. در دیباچه و ماده ۱ اساس‌نامه تصریح شده است که دیوان کیفری بین‌المللی مکمل محاکم کیفری ملی خواهد بود بدین معنا که تنها در صورتی که دادگاه‌های ملی صلاحیت‌دار قادر یا مایل به رسیدگی به جرایم موضوع اساس‌نامه نباشند دیوان کیفری بین‌المللی صلاحیت رسیدگی به آن جرایم را دارد. به موجب ماده ۵ اساس‌نامه دیوان نسبت به رسیدگی به ۴ جرم صلاحیت خواهد داشت:

۱- نسل‌کشی (کشتار جمعی)^۳، ۲- جرایم علیه بشریت^۴، ۳- جرایم جنگی^۵، ۴- تجاوز^۶

۱- حقوق جزای بین‌الملل (مجموعه مقالات)، دکتر حسین میرمحمدصادقی، میزان، ۱۳۷۷ ص ۱۸۰.

۲- international criminal court.

۳- Genocide.

۴- crimes against humanity.

۵- War crimes.

۶- Agression.

به موجب بند ۱ ماده ۷ اساس نامه^۲ جنایات ضد بشریت منظور در این اساس نامه شامل هر یک از اعمال مشروح ذیل است، هنگامی که در چارچوب یک حمله گسترده یا سازمان یافته بر ضد یک جمعیت غیرنظامی و با علم به آن حمله ارتکاب می‌گردد.

الف- قتل

ب- ریشه کن کردن

ج- به بردگی گرفتن

د- حبس کردن یا ایجاد محرومیت شدید از آزادی جسمانی که بر خلاف قواعد اساسی حقوق بین‌الملل انجام می‌شود.

و- شکنجه

ز- تجاوز جنسی، برده‌گیری جنسی، فاحشگی اجباری، حاملگی اجباری، عقیم کردن اجباری یا هر شکل دیگر خشونت جنسی هم‌سنگ با آن‌ها.

ح- تعقیب و آزار مداوم هر گروه یا مجموعه مشخص به علل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی، جنسی یا علل دیگر در ارتباط با هر یک از اعمال مذکور در این بند یا هر جنایت مشمول صلاحیت دیوان که در سراسر جهان به موجب حقوق بین‌الملل غیرمجاز شناخته شده است.

ط- ناپدید کردن اجباری اشخاص

ی- جنایت تبعیض نژادی

ک- اعمال غیرانسانی مشابه دیگری که عمداً به قصد ایجاد رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا به سلامت روحی و جسمی صورت پذیرد.

به موجب بند ۲ ماده ۷ اساس نامه، منظور از تعبیرات به کار رفته در بند ۱ به تفصیل شرح داده شده‌اند که عبارتند از:

الف- حمله گسترده یا سازمان یافته بر ضد هر جمعیت غیر نظامی: رفتاری است مشتمل بر ارتکاب مکرر هر یک از اعمال مذکور در بند ۱ بر ضد هر جمعیت غیرنظامی که در تعقیب پیشبرد سیاست یک دولت یا یک سازمان برای انجام چنین حمله‌ای صورت گرفته باشد.

۱- حقوق کیفری بین‌المللی: دکتر محمد جواد شریعت باقری، نشر جنگل، ۱۳۸۵، ص ۲۷.

۲- اساس نامه دیوان کیفری بین‌المللی، دفتر امور بین‌الملل قوه قضاییه، روزنامه رسمی، ۱۳۷۸، ص ۹.

ب- ریشه کن کردن: شامل تحمیل عمومی وضعیت خاصی از زندگی است از جمله محروم کردن از دسترسی به غذا و دارو که به منظور منهدم کردن بخشی از یک جمعیت برنامه ریزی می شود.

ج- به بردگی گرفتن: یعنی اعمال اختیارات مربوط به حق مالکیت بر انسان و مشتمل است بر اعمال چنین اختیاری در جهت خرید و فروش انسان به ویژه زنان و کودکان.
د- اخراج یا کوچ اجباری: یعنی جابجا کردن اجباری اشخاص مورد نظر از طریق بیرون راندن یا دیگر اعمال قهرآمیز از منطقه ای که قانوناً در آن جا حضور دارند، بدون مجوزی براساس حقوق بین الملل.

ه- شکنجه: یعنی تحمیل عمدی درد یا رنج شدید جسمی یا روحی بر شخصی که در توقیف یا تحت کنترل متهم (به شکنجه) است، الا اینکه شکنجه شامل درد یا رنجی که صرفاً ناشی از مجازات قانونی که ذاتی و یا لازمه آن است، نمی شود.

و- حاملگی اجباری: یعنی حبس کردن غیرقانونی زنی که به زور حامله شده است به قصد تاثیرگذاری بر ترکیب قومی یک جمعیت یا دیگر نقض های فاحش حقوق بین الملل. این تعریف به هیچ وجه نباید طوری تفسیر شود که بر قانون ملی (داخلی کشورها) مربوط به حاملگی تاثیر بگذارد.

ز- تعقیب و آزار مداوم: یعنی محروم کردن عمدی و شدید از حقوق اساسی بر خلاف حقوق بین الملل به دلیل هویت آن گروه یا مجموعه.

ح- جنایت تبعیض نژادی: یعنی ارتکاب اعمال غیرانسانی از نوع اعمال مذکور در بند ۱، از طریق یک رژیم نهادینه شده و ایجاد فشار و سلطه منظم توسط یک گروه نژادی بر یک گروه یا گروه های نژادی دیگر ارتکاب آن اعمال به قصد حفظ و نگهداری آن رژیم.

ط- ناپدید کردن اجباری شخص: یعنی بازداشت یا حبس یا ربودن اشخاص توسط یک دولت یا سازمان سیاسی یا با اجازه یا حمایت یا رضایت آن ها و سپس امتناع از اعتراف به محرومیت این اشخاص از آزادی یا امتناع از دادن اطلاعات از سرنوشت یا محل وجود آنان با قصد دور کردن آنان از حمایت قانون برای مدت طولانی.

۳- در این اساس نامه منظور از اصطلاح جنسیت مفهومی است که عرفاً به دو جنس مرد و زن اطلاق می شود. اصطلاح جنسیت به هیچ معنای دیگری غیر از معنای فوق دلالت نخواهد کرد.

به موجب ماده ۷۷ اساس نامه، دیوان می‌تواند یکی از مجازات‌های زیر را برای شخص که به دلیل ارتکاب یکی از جرایم مذکور در ماده ۵ محکومیت یافته تعیین نماید:

الف- حبس به مدت معینی که بیش از سی سال نباشد.

ب- حبس ابد، به شرط آن که اهمیت جرم ارتكابی و همچنین اوضاع و احوال شخص محکوم علیه آن را ایجاب نماید.

ج- بر طبق ملاک‌هایی که در آیین‌نامه دادرسی و ادله دیوان مقرر شده جریمه نیز وصول شود.

د- عواید، اموال و دارایی‌هایی که به نحو مستقیم یا غیرمستقیم از ارتکاب جرم حاصل شده، بدون اینکه به حقوق شخص ثالث با حسن نیت لطمه‌ای وارد سازد، ضبط شود.

به موجب ماده ۷۵ اساس نامه جبران خسارت مجنی علیهم هم پیش‌بینی شده است. همان‌طور که گفته شده صلاحیت دیوان جنبه تکمیلی داشته و صرفاً نسبت به جرایم اشخاص حقیقی (صرف نظر از شغل و سمت آن‌ها) رسیدگی می‌نماید که با توجه به دائمی بودن دیوان نسبت به دادگاه‌های بین‌المللی دیگر (یوگسلاوی سابق و رواندا) چند قدم به جلو برای تحقیق تضمین کیفری قواعد حقوق بشری محسوب می‌شود و هرچند که پیوستن برخی از کشورها به اساس نامه دیوان هنوز موقعیت جهان شمولی آن را زیر سوال برده است و در عمل هم هنوز اقدامات شایان توجهی انجام نداده اما به نوبه خود موجب پر کردن یک خلا مهم در عرصه حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود.

دیوان کیفری بین‌المللی هر چند دارای شخصیت حقوقی مستقل می‌باشد و وابسته به هیچ سازمان یا ارگان بین‌المللی نیست اما در ماده ۱۳ اساس نامه پیش‌بینی شده است که علاوه بر یک دولت عضو و دادستان که می‌توانند اعلام جرم نمایند، شورای امنیت سازمان ملل نیز می‌تواند وضعیتی را که در آن یک یا چند جنایت به نظر می‌رسد ارتکاب یافته است. به موجب فصل ۷ منشور ملل متحد به دادستان دیوان ارجاع نماید. در صورت ارجاع وضعیت توسط شورای امنیت به دیوان دیگر لازم نیست که شخص تحت تعقیب عضو دولتی باشد که صلاحیت دیوان را پذیرفته باشد زیرا در ماده ۱۲ اساس نامه صلاحیت دیوان در سایر موارد ارجاعی منوط به دو شرط شده است که:

۱- دولتی که عضو این اساس نامه می‌شود بدان وسیله صلاحیت دیوان را نسبت به جنایات مذکور در ماده ۵ می‌پذیرد.

۲- در حالت ماده ۱۳ بند الف یا ج (درخواست دولت عضو و دادستان دیوان) دیوان در صورتی می‌تواند صلاحیت خود را اعمال نماید که حداقل یکی از دولت‌های عضو این اساس‌نامه جرم در قلمرو آن اتفاق افتاده است یا در صورتی که جنایت در کشتی یا هواپیمای به ثبت رسیده در آن کشور ارتکاب یافته یا اینکه شخص مورد تحقیق یا تعقیب تبعه آن کشور باشد که عضو معاهده است اما در مورد ارجاع شورای امنیت چنین شرایطی وجود ندارد.

همچنین به موجب ماده ۱۶ اساس‌نامه چنانچه قطعنامه‌ای از سوی شورای امنیت در اجرای فصل ۷ منشور ملل متحد صادر شود و از دیوان درخواست شود تا تحقیق یا تعقیبی را معلق نماید، هیچ تحقیق یا تعقیبی به موجب این اساس‌نامه نمی‌تواند به مدت ۱۲ ماه شروع شود یا ادامه یابد. این درخواست به موجب همان شرایط قابل تجدید توسط شورای امنیت می‌باشد.

ملاحظه می‌شود که شورای امنیت سازمان ملل هم در ارجاع موضوع و اعلام جرم علیه اشخاص و هم در تعلیق تحقیق و تعقیب در روند کار دیوان مداخله دارد که نوعی وابستگی غیر مستقیم دیوان به سازمان ملل متحد و شورای امنیت تلقی می‌شود.

نتیجه بحث

جامعه جهانی از دیرباز توجه خود را به رعایت حقوق بشر چه در زمان صلح و چه در هنگام جنگ معطوف نمود و اقدامات و تدابیر مختلفی را برای حفظ و صیانت از این حقوق در نظر گرفته است. جنگ‌های جهانی و منازعات بین‌المللی و داخلی که توأم با نقض شدید و فاحش حقوق بشر بوده‌اند، ضرورت ایجاد یک نهاد کیفری بین‌المللی را ایجاب می‌کرد و تشکیل دادگاه کیفری بین‌المللی پاسخی به این نیاز مهم و ضروری برای جامعه جهانی تلقی می‌شود. این دادگاه که میراث خوار دادگاه‌های موقتی و خاص گذشته مانند دادگاه نورنبرگ، توکیو، یوگسلاوی سابق و رواندا می‌باشد با توجه به اینکه هنوز در ابتدای راه است و خیلی از کشورها هنوز اساس‌نامه آن را تصویب نکرده‌اند (مخصوصاً آمریکا به عنوان یکی از مهم‌ترین ناقضان حقوق بشر که جنایات گوانتانامو و ابو غریب نمونه‌های آن هستند و اسرائیل که به هیچ معاهده بین‌المللی حقوق بشری پایبند نیست) صبر و بردباری بیشتری برای موفقیت آن لازم است. بسیاری از کشورها هنوز بر اصل سرزمینی

بودن جرایم پای می‌کوبند و با اصل صلاحیت جهانی دیوان مشکل دارند، مخصوصاً جایی که بایستی تبعه کشور خود را که متهم به یکی از جرایم علیه بشریت می‌باشد، به دیوان کیفری بین‌المللی تحویل دهند. علی‌رغم این‌ها به نظر می‌رسد که آینده جهان به سمت یک دست شدن می‌رود، قواعد کیفری در آینده نزدیک جهانی می‌شوند. الگوی دادگاه اروپایی حقوق بشر برای سایر نقاط به لحاظ موفقیتی که داشته، کارگشا خواهد بود و روزی فرا خواهد رسید که مجرمین علیه بشریت در هیچ نقطه‌ای از جهان امنیت نداشته باشند، به امید آن روز.

منابع و مأخذ:

- ۱- محقق داماد، دکتر سید مصطفی، حقوق بشر دوستانه بین‌المللی (رهیافت اسلامی)، مرکز نشر اسلامی، ۱۳۸۳.
- ۲- میر محمد صادقی، دکتر حسین، حقوق جزای بین‌المللی (مجموعه مقالات)، میزان، ۱۳۷۷.
- ۳- شریعت باقری، دکتر محمد جواد، حقوق کیفری بین‌المللی، نشر جنگل، ۱۳۸۵.
- ۴- دفتر امور بین‌الملل قوه قضاییه، اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی، روزنامه رسمی، ۱۳۷۸.
- ۵- مرکز مطالعات توسعه قضایی، تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل، روزنامه رسمی، ۱۳۸۱.
- ۶- ارفعی، عالییه، حقوق بشر از دیدگاه مجامع بین‌المللی، وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۷۲.
- ۷- بسته‌نگار، محمد، حقوق بشر از منظر اندیشمندان، انتشار ۱۳۸۰.
- ۸- حقوقی، عسگر، حقوق بشر در اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ۱۳۷۶.
- ۹- جنیدی، فریدون، حقوق بشر در جهان امروز و حقوق جهان در ایران باستان، نشر بلخ، ۱۳۷۸.
- ۱۰- ندوشن، محمد علی، ذکر مناقب حقوق بشر در جهان سوم، انتشارات نیرو، ۱۳۷۲.
- ۱۱- توکلی طبسی، علی، حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه در پرتو حقوق بین‌الملل، یاس بنی، ۱۳۸۳.
- ۱۲- مهرپور، دکتر حسین، حقوق بشر و راهکارهای اجرای آن، اطلاعات، ۱۳۷۸.
- ۱۳- مهرپور، دکتر حسین، حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، اطلاعات، ۱۳۷۴.
- ۱۴- ذاکریات، مهدی، حقوق بشر در هزاره جدید، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
- ۱۵- ارجمند، دکتر اردشیر، مجموعه اسناد بین‌الملل حقوق بشر، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۰.

- ۱۶- حسینی نژاد، دکتر حسینقلی، حقوق کیفری بین‌المللی، میزان، ۱۳۷۳.
- ۱۷- حسین نژاد، دکتر حسینقلی، حقوق کیفری بین‌المللی اسلامی، میزان، ۱۳۷۳.
- ۱۸- واحدی، دکتر قدرت‌الله، حقوق جزای بین‌المللی، رسیدگی به جرایم ارتكابی در سرزمین‌های اشغال شده، میزان، ۱۳۸۰.
- ۱۹- اردبیلی، دکتر محمد علی، حقوق کیفری بین‌المللی، میزان، ۱۳۸۳.
- ۲۰- دانیل واریز، حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، کنکاشی برای جهانی ساختن، ترجمه: سلاله حبیبی امین، دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.